كم حسّنت لذة للمرء قاتلة

بسیار خوب مینماید نفس لذت مر مرد را کشنده مر مرد را

من حيث لم يدر أن السم في الدسم

از حیث که نمیداند مرد اینکه زهر در چرب نرمی است

واخش الدسائس من جوع ومن شبع

بترس تو مکرهای نفس را از گرسنگی و از سیری

فرب مخمصة شر من التخم

بسیار گرسنگی بدتر است از سیری

واستفرغ الدمع من عين قد امتلأت

فارغ ساز تو اشک را از چشمی که تحقیق که پر شده بود چشم

من المحارم والزم حمية الندم

از حرامها ملازم شوی تو حمیت پشیمانی را

وخالف النفس والشيطان واعصهما

خلاف کن تو نفس را و شیطان را عاصی شوی تو نفس و شیطان را

وان

وإن هما محضاك النصح فاتهم

و اگر هر دو نفس و شیطان خالص کنند تو را نصیحت را پس تهمت کن تو نفس و شیطان را

ولا تطع منهما خصما ولا حكما

اطاعت مکن تو از همان نفس و شیطان خصم را و حکم را

فأنت تعرف كيد الخصم والحكم

پس هر آینه تو میشناسی تو مکر را خصم را و حکم را

أستغفر الله من قول بلا عمل

استغفار میکنم من الله از قول بی عمل

لقد نسبت به نسلا لذي عقم

هر آینه تحقیق نسبت دادم من به همان قول نسل را مر صاحب عقیم

أمرتك الخير لكن ما ائتمرت به

امر کردم من ترا خیر را لیکن قبول نکردم من همان خیر را

وما استقمت فما قولي لك استقم

مستقیم نشدم من در امر در عمل پس چیست قول من مر تو مستقیم باش در امر در عمل

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)